

درآمدی بر نظریه رجالی آیه الله خامنه ای؛ مبانی، فوائد و آرای رجالی

مهدی غلامعلی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

چکیده

نظرگاه فقیه را در مهم ترین مسائل رجالی، همچون راوی شناسی، کتاب شناسی رجالی، قواعد رجالی در توثیقات عام و خاص، سند شناسی و نکات رجالی، می توان نظریه رجالی وی دانست. پژوهش حاضر با هدف دستیابی به نظریه رجالی آیه الله خامنه ای، با روش تحلیل بینامتنی و براساس مباحث فقهی دروس خارج فقه ایشان سامان یافته است. بخشی از دستاوردهای پژوهش پیش رو چنین است: آیه الله خامنه ای شیوه اعتبارسنجی وثاقت سندی را برگزیده است، باب اجتهاد رجالی را گشوده می داند و قول رجالی را از باب خبرویت پذیرفته و برتری نجاشی را باور دارد. برای توسعه در راوی شناسی، شمار قابل توجهی از قواعد توثیقات عام را با شرایطی پذیرفته است که عبارت اند از: توثیق مشایخ ثقات سه گانه، توثیق مشایخ جعفر بن بشیر، توثیق مشایخ در اکثار أجالاً (توثیق عملی)، تصحیح روایات و توثیق اصحاب اجماع، توثیق راویان کتاب های تفسیر القمی و کتاب کامل الزیارات، و پذیرش روایات سهل بن زیاد تنها در الکافی از سوی دیگر، قواعدی چون توثیق برخاسته از ترخم و ترضی، توثیق مشایخ صدوق و توثیق راویان کثیرالروایه را نمی پذیرد. تضعیفات ابن غضائری را قابل اعتماد ندانسته و غلو و اتهام به غلو راویان را از سوی دانشمندان قمی، اشتباه آن ها قلمداد کرده و به پندار آنان وقعی نمی نهد. کلیدواژه ها: نظریه رجالی، مبانی رجالی، آرای رجالی، آیه الله خامنه ای، توثیقات عام، قواعد رجالی.

۱. درآمد

شمار اندکی از فقیهان معاصر، مانند آیات سید ابوالقاسم خویی، محمد آصف محسنی،

۱. استاد دانشگاه قرآن و حدیث (mahdigh53@gmail.com).

مسلم داوری و جعفر سبحانی، اندیشه‌های رجالی خویش را به صورت مستقل در یک اثر رجالی ارائه کرده‌اند. اما دستیابی به دیدگاه رجالی بسیاری از فقیهان، تنها با پژوهش و تحلیل متنی داده‌ها، یعنی شیوه‌های اعتبارسنجی روایات در مباحث فقهی ایشان میسر است.

از واکاوی مباحث رجالی هر فقیه در عرصه‌های راوی‌شناسی، کتاب‌شناسی رجالی، قواعد رجالی در توثیقات عام و خاص، سندشناسی و نکات رجالی می‌توان نظریه رجالی وی را بازسازی کرد.

تا کنون اندیشه رجالی شماری از فقیهان معاصر، با تحلیل متنی متون فقهی استخراج شده و پاره‌ای از آن‌ها نیز منتشر شده است.^۱

آنچه پژوهش پیش‌رو عهده‌دار آن است، واکاوی نظریه رجالی آیه‌الله خامنه‌ای است. این پژوهش بر آن است که دیدگاه ایشان را در مباحثی چون چرایی حجیت قول رجالی، شیوه اعتبارسنجی روایات (وثاقت سندی یا وثاقت صدور)، قواعد رجالی پذیرفته شده در توثیقات عام و احیاناً اثرپذیری از دیگر رجالیان، تبیین نماید.

این نوشتار با تحلیل متنی شمار بسیاری از متون مباحث فقهی منتشر شده آیه‌الله خامنه‌ای در کتاب‌های المکاسب، القصاص، الصلاة و الغناء سامان یافته است.

۲. پیشینه

تاکنون سه اثر، نزدیک به برخی از پرسش‌های پژوهش حاضر، تدوین شده است. نخست، مقاله‌ای است در بیان دیدگاه آیه‌الله خامنه‌ای در قاعده مشایخ اصحاب اجماع که نویسنده بیش از آن‌که به دیدگاه ایشان بپردازد، مباحث پیرامونی را توسعه داده است.^۲ روشن است مقاله یادشده تنها بخشی از نظریه رجالی ایشان را بیان کرده است.

اثر دوم، کتابچه‌ای با عنوان «کلیات و فواید علم حدیث و رجال‌شناسی در اندیشه

۱. به عنوان نمونه: «نظریه رجالی آیه‌الله مسلم داوری، با تمرکز بر مبانی، روش و آرا»، دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم، سید علی سجادی، سید مجتبی مجاهدیان، مهدی غلامعلی، ۱۴۰۲ش؛ «واکاوی مبانی و رویکردهای رجالی آیه‌الله میرزا جواد تبریزی»، مصطفی قدیم‌آبادی، مهدی غلامعلی، پژوهش‌های رجالی، سال پنجم، ش ۵، ۱۴۰۱ش؛ «واکاوی مبانی و رویکردهای رجالی آیه‌الله هاشمی شاهرودی»، عباس خورشیدی، مهدی غلامعلی، پژوهش‌های رجالی، سال چهارم، ش ۴، ۱۴۰۰ش.

۲. «قاعده رجالی اصحاب اجماع از دیدگاه حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای»، مرتضی یقینی‌پور، پژوهش‌نامه فقه و علوم اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، تابستان ۱۴۰۱ش.

آیه الله العظمی خامنه ای^۱ است که گردآورندگان، تنها متون متعددی را در مسائل رجالی از لابه لای درس های خارج کتاب المکاسب و القصاص ایشان استخراج کرده اند.^۲ در پژوهش حاضر به این کتاب نیز مراجعه شده است. این اثر کامل نیست و هنوز تا نشر رسمی فاصله دارد. افزون بر آن، این کتاب تنها به نقل مستقیم متون درس خارج فقه بسنده کرده و فاقد تحلیل و بررسی داده هاست.

اثر سوم، رساله سطح چهار در حوزه علمیه قم با عنوان «تحلیل و نقد حال راویان مُخْتَلَف فیه از منظر آیه الله خامنه ای (دامت برکاته) و آیه الله زنجانی (دامت برکاته)» است که به تازگی دفاع شده است.^۳ هدف این رساله، ارزیابی و تبیین دیدگاه راجع در بازشناسی راویان مورد اختلاف از منظر دو شخصیت معاصر بوده و الزامی بر استخراج مبانی رجالی آیه الله خامنه ای نداشته است. هرچند نکات شایسته ای هم افق با پرسش های پژوهشی مقاله حاضر در آن یافت می شود.

بنا بر آن چه گذشت، مقاله یا نوشتاری مستقل ویژه مجموعه دیدگاه های رجالی ایشان تاکنون منتشر نشده است. پژوهش حاضر در چهار بخش تدوین شده است:

۱. شخصیت رجالی،

۲. مبانی رجالی،

۳. آرای رجالی،

۴. فواید رجالی.

۳. شخصیت رجالی

سید علی حسینی خامنه ای (متولد ۱۳۱۸ ش)، فرزند حجة الاسلام حاج سید جواد حسینی خامنه ای، دانش آموخته حوزه های علمیه مشهد، قم و نجف اشرف است. ایشان در دروس خارج فقه و اصول شماری از فقیهان نام آشنا، چون حضرات آیات: سید محمد هادی میلانی (در مشهد)، حاج آقا حسین بروجردی، امام خمینی، حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، سید محمد محقق داماد (در قم) و سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، سید

۱. این کتاب به صورت غیررسمی برای همایش علوم اسلامی با عبارت ویراست نخست، غیرقابل استناد در نسخه های معدودی چاپ شده است.

۲. رساله «تحلیل و نقد حال راویان مُخْتَلَف فیه از منظر آیه الله خامنه ای (دامت برکاته) و آیه الله زنجانی (دامت برکاته)» سید حمید موسوی حسب، راهنما: مهدی غلامعلی، مشاور: حیدر مسجدی، ۱۸ بهمن ۱۴۰۳ ش، حوزه علمیه قم.

محمود شاهرودی، میرزا باقرزنجانی و میرزا حسن بجنوردی (در نجف) تلمذ کرده‌اند.^۱ به نظر می‌رسد بیشترین بهره‌های علمی ایشان از آیات عظام میلانی، بروجردی و امام خمینی حاصل شده است. ستایش شخصیت رجالی ایشان در گفتار برخی از محققان معاصر، همچون مرحوم آیه‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی، به چشم می‌خورد.^۲ آیه‌الله خامنه‌ای از فقیهانی است که علاقه‌مندی او به دانش رجال، در مباحث حدیث پژوهی روایات فقهی، کاملاً مشهود است. وی پیش‌ترین علاقه‌مندی را با تدوین کتاب «چهار کتاب اصلی علم رجال» نشان داده است.^۳ همچنین در ارزیابی‌های تفصیلی و گسترده اسناد روایات فقهی و حتی گاه روایات اخلاقی، در سلسله جلسات درس‌های فقهی، می‌توان تبهر رجالی وی را رصد کرد.

از ویژگی‌های عملکرد رجالی آیه‌الله خامنه‌ای می‌توان عدم تعصب ویژه به دیدگاه افراد خاص را برشمرد. اگرچه وی شاگرد آیه‌الله بروجردی بوده است، اما این‌گونه نیست که بر دیدگاه استاد متوقف شده باشد. در مباحث اعتبارسنجی روایات، انظار سه رجالی معاصر بیش از دیگران مورد مذاقه ایشان قرار گرفته است: حضرات آیات بروجردی، شوشتری و خویی. تقریباً در تمام مباحث راوی‌شناسی، دیدگاه آیه‌الله خویی دیده شده و بارها نظر ایشان را ترجیح داده‌اند؛ مانند مبحث ناووسی نبودن ابان بن عثمان. معمولاً پس از بیان دیدگاه‌ها، ارزیابی نظرات محققان معاصر را نیز بیان می‌کنند. مثلاً می‌گویند:

در مورد ابان بن عثمان، البته بعضی‌ها گفته‌اند ناووسی است، لکن ناووسی بودن ابان بن عثمان ثابت نشده است. مرحوم آقای خویی در این زمینه تحقیق خوبی دارند. ایشان می‌فرمایند: ناووسی بودن او ثابت نیست. حق هم با ایشان است.^۴

۱. پایگاه اطلاع رسانی آیه‌الله خامنه‌ای (khamenei.ir).

۲. ویژه‌نامه ارزش‌ها، بهمن ۱۳۷۶؛ آیه‌الله خامنه‌ای در مسائل رجالی دارای معلومات بسیار خوبی هستند و در این حوزه واقعاً کار کرده‌اند. ایشان از جمله مجتهدینی هستند که به مسائل رجالی اهمیت می‌دهند؛ مسائلی را قبول کرده و اشکالات وارد را رفع نموده‌اند... و در مجموع تفوق چشمگیری در مسائل رجالی دارند...

۳. کتاب «چهار کتاب اصلی علم رجال» را می‌توان از نخستین آثار کتاب‌شناسی رجال به زبان فارسی برشمرد. آیه‌الله خامنه‌ای در این کتاب بسیار مختصر، ضمن اشاره به تاریخ تدوین رجال امامیه، به معرفی دو کتاب اختیار معرفه الرجال و الفهرست شیخ طوسی پرداخته‌اند. از مطالب انتهایی کتاب می‌توان دریافت که نویسنده قصد معرفی دو کتاب رجال الطوسی و رجال النجاشی را هم داشته که فرصت نیافته است. کتاب مذکور توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی در تهران به چاپ رسیده است. چاپ دوم کتاب در سال ۱۳۷۴ ش، منتشر شده و همچنین به وسیله مآجد الغریبای به عربی ترجمه شده و با نام الاصول الأربعة فی علم الرجال، در سال ۱۴۱۴ ق، به چاپ رسیده است.

۴. صلات جماعت، جلسه ۱۲، کتاب القصاص، جلسه ۲۳.

در ردّ دیدگاه اساتید نیز با بیانی لطیف، مطلب را تبیین می‌کنند. به عنوان نمونه، تضعیف محمد بن سنان را از استاد خود، بروجردی، نمی‌پذیرند؛ اما این مطلب را این‌گونه بیان می‌کنند:

محمد بن سنان که از طبقه ششم می‌باشد، مختلفاً فيه است. مرحوم سید استاد ما، آیه‌الله بروجردی - رضوان‌الله علیه - که خربت این فن بودند، ایشان را ثقه نمی‌دانستند و مشهور هم همین است و ایشان رمی به غلو و کذب شده است، لکن قولی هم به وثاقت ایشان وجود دارد که به نظر ما این قول بعید نیست.^۱

آیه‌الله خامنه‌ای وقتی دیدگاهی را نمی‌پذیرند، به تحلیل اجمالی یا تفصیلی آن دیدگاه اهتمام می‌ورزند. به عنوان مثال، علامه شوشتری، علی بن محمد بن قتیبه را - بنا بر روایت کشی که از فردی نام نمی‌برد و او را ثقه در نیشابور دانسته است - توثیق می‌کند. این استظهار پسند آیه‌الله خامنه‌ای نیست. از این رو، در ردّ دیدگاه شوشتری به اجمال می‌گویند:

انصافاً ضعف بیان صاحب قاموس هم آشکار است. ممکن است کشی، از شخص دیگری نقل کرده باشد. به چه دلیل می‌گویید کسی که کشی از او نقل کرده است و او را توثیق کرده است، عیناً همان کسی است که شیخ صدوق، از او نقل کرده است؟ بنابراین، با این تشبّثات نمی‌شود به این سند اعتماد کرد.... انصافاً چنین اعتمادی نمی‌شود پیدا کرد که انسان بخواهد قتیبی را از این طریق توثیق کند.^۲

توجه ویژه به قاموس الرجال در سرتاسر مباحث رجالی آیه‌الله خامنه‌ای مشهود است، به ویژه آن‌که برخی نظرات ویژه محقق شوشتری، مانند قول به تفصیل در پذیرش روایات سهل بن زیاد تنها در کتاب الکافی،^۳ مختار ایشان است.^۴ از این رو، برخی گمان کرده‌اند که اندیشه رجالی آیه‌الله خامنه‌ای متأثر از علامه شوشتری است،^۵ اما راقم این سطور - که شاهد

۱. کتاب القصاص، جلسه ۲۳.

۲. کتاب المکاسب، جلسه ۴۱۰.

۳. قاموس الرجال، ج ۵، ص ۳۶۲، محقق شوشتری درباره سهل بن زیاد این‌گونه می‌نویسد: لکن یمکن أن یقال: إنّ الکلینی اختار من روایاته، کما اختار من روایات عمّار؛ فالعمل مجمل. لکن حیث توحی الکافی جمع الأخبار الصحیحة، فأخبار سهل فیہ معتبرة.

۴. درس خارج قصاص جلسه ۱۱.

۵. «تحلیل و نقد حال راویان مختلف فیہ از منظر آیه‌الله خامنه‌ای (دامت برکاته) و آیه‌الله زنجانی (دامت برکاته)»،

دیگران‌دیشی‌های متعدد آیه‌الله خامنه‌ای در راوی‌شناسی و نقد دیدگاه‌های قاموس الرجال بوده است - نمی‌تواند اثرپذیری ویژه‌ای را برای ایشان از رجالان معاصر ثبت کند.

۴. مبانی رجالی

نظربه روش آیه‌الله خامنه‌ای در اعتبارسنجی روایات می‌توان ایشان را در شمار طرفداران شیوه وثاقت سندی برشمرد؛ به گونه‌ای که در تمام مباحث فقهی ابتدا اسناد روایات فقهی بررسی، و سند را مهم‌ترین یا تنها راه اعتبار حدیث برمی‌شمردند. روشن است در این دیدگاه، روایت مرسل نهایت افاده‌اش تنها برای تأیید است و نمی‌تواند به عنوان دلیل ایفای نقش کند،^۱ مگر آن‌که اطمینان پیدا شود که اصحاب ما در دوره متقدم به همین روایت ضعیف یا مرسل عمل کرده‌اند، که این عمل اصحاب جابر ضعیف سند خواهد شد.^۲

تفاوت آشکار مبنای آیه‌الله خامنه‌ای با مبنای استاد ایشان آیه‌الله بروجردی این است که برای استاد عمل اصحاب مهم‌ترین معیار صحت روایت بود و حال آن‌که در منظر آیه‌الله خامنه‌ای مهم‌ترین معیار صحت روایت، سند معتبر است. البته هر دو شخصیت، روایت معرض عنها را در شمار روایات ضعیف و قابل تأمل ارزیابی می‌کنند.^۳ آنچه وی را از بسیاری از وثوق سندی‌ها ممتاز می‌سازد، توسعه در راوی‌شناسی و پذیرش بیشتر قواعد توثیقات عام است.

او به اقوال رجالیان کهن توجه ویژه دارد، و سخن نجاشی را بیش و پیش از دیگران معتبر می‌داند. از تحلیل متون فقهی ایشان می‌توان دریافت که قول رجالی را از باب خبرویت پذیرفته‌اند.^۴ بنابراین، تقدم قول نجاشی بر سخن دیگر رجالیان، برپایه همین مستند استوار است.

تضعیفات ابن غضائری را به هیچ وجه قابل اعتماد نمی‌داند. به این دیدگاه در بررسی رجالی راویانی چون مفضل بن صالح،^۵ قاسم بن یحیی^۶ و اسماعیل بن مهران^۷ تصریح کرده

۱. صلاة المسافر، ص ۶۵ و ۶۶، جلسه ۱۳۴.

۲. همان، ج ۲، ص ۹۹ و ۱۰۰، جلسه ۱۳۷.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۲۲، جلسه ۱۳۸.

۴. درس خارج فقه مکاسب محرمة، جلسه ۲۴۷.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۲۹۲؛ خارج فقه مکاسب محرمة، جلسه ۱۳۶ و ۲۶۴.

۶. خارج فقه مکاسب محرمة، جلسه ۱۵۴.

۷. المکاسب المحرمة، جلسه ۴۱۷.

است. همچنین غلو و اتهام به غلو راویان را از سوی دانشمندان قمی اشتباه آن‌ها قلمداد کرده و به پندار آن‌ها وقعی نمی‌نهند.^۱

آیه الله خامنه ای بر این باورند که قمی‌ها بسیاری را رمی به غلو کرده‌اند که آن‌ها فقط روایتی را در بیان مقامات ائمه علیهم‌السلام گزارش کرده بودند. و از آنجا که قم در وسط یک جامعه بزرگ غیرشیعی (اصفهان، کاشان و...) بوده، این‌گونه حساسیت‌ها وجود داشته است. همچنین معتقدند که حتی اگر این راویان، غالی در حق ائمه هم باشند، این یک مسئله معرفتی است و تلازمی با عدم وثاقت ندارد.^۲ البته فساد حدیث غالی، در صورت اثبات، در عرصه روایاتی که بوی غلو می‌دهد، قابل تأمل دانسته می‌شود.^۳

باب اجتهاد رجالی را گشوده دانسته و اگرچه بر خبرویت قول رجالی و برتری نجاشی باور دارند، اما در راوی‌شناسی، به ویژه در تعارض جرح و تعدیل، به اجتهاد روی آورده و حتی از قول نجاشی نیز عبور می‌کنند. شاهد بارز این عملکرد، بررسی شخصیتی مفضل بن عمر است که نجاشی وی را فاسد المذهب، مضطرب الروایة و خطابی توصیف و ضعیف شمرده^۴ و در مقابل، شیخ مفید او را از خواص امام و ثقه دانسته است.^۵ کشی نیز دو دسته روایات مدح و قدح را درباره وی گزارش کرده است.^۶ ایشان ضمن تبیین داده‌ها، استدلال‌های علامه شوشتری^۷ و آیه الله خویی^۸ را تحسین کرده و سرانجام به توثیق مفضل بن عمر حکم می‌کند.^۹

۵. آرای رجالی

می‌دانیم بیشتر راویان اسناد روایات فاقد توثیق و تضعیف خاص هستند. از این رو، تمسک به قواعد توثیق عام برای برون‌رفت از این چالش بهترین مسیر فراروی فقیهان

۱. کتاب القصاص، جلسه ۱۷.

۲. کتاب مکاسب، جلسه ۲۵.

۳. کتاب صلاة المسافرين، ج ۱، ص ۳۹۲.

۴. رجال النجاشی، ص ۴۱۶، ش ۱۱۱۲.

۵. الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۶.

۶. رجال الکشی، ج ۲، ص ۶۱۲.

۷. قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۲۱۵.

۸. معجم رجال الحديث، ج ۱۹، ص ۳۲۸.

۹. درس خارج فقه مکاسب محرمه، جلسه ۲۴۷.

سندمحور است. شماری از فقیهان معاصر، مانند آیه‌الله خویی، بیشترین قواعد را قابل نقاش و غیرقابل قبول دانسته‌اند. در مقابل، گروهی نیز مانند آیه‌الله بروجردی بسیاری از این قواعد را پذیرفته‌اند. آیه‌الله خامنه‌ای نیز به گروه دوم متمایل تر است. در ادامه، شماری از آرای رجالی ایشان را در توثیقات عام برمی‌کاویم:

۱-۵. توثیق مشایخ ثقات سه گانه

برپایه کلامی از شیخ طوسی در کتاب العدة فی اصول الفقه، مراسلات محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ق)، صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ق) و احمد بن محمد بن ابی نصر (م ۲۲۱ق) با مُسندات آن‌ها یکسان است و مشایخ این سه نفر ثقه هستند.^۱ از کلام شیخ طوسی، این‌گونه برداشت می‌شود می‌شود که سیره عملی و روش این سه دانشمند ثقه تنها روایت از استاد ثقه بوده و از راویان ضعیف و مجهول نقل روایت نمی‌کردند.

پذیرش این قاعده موجب توثیق شمار قابل توجهی از راویان (حدود هفتصد نفر) می‌شود.^۲ آیه‌الله خامنه‌ای در توثیق شمار قابل توجهی از راویان مجهول، به قاعده توثیق مشایخ ثقات استناد کرده و ضمن پذیرش این قاعده تصریح می‌کنند که مستند و شهادت شیخ طوسی در العدة را پذیرفته‌اند.^۳ ایشان بر این باورند که حتی اصحاب به مراسیل آنان هم، مانند مسندات آن‌ها، تکیه می‌کردند.

دو نکته در بیانات ایشان مهم می‌نماید: نخست، این‌که قدر متیقن از عبارت شیخ طوسی که فرموده: «لَا يَرَوُونَ وَلَا يُرْسَلُونَ إِلَّا عَمَّنْ يُوثِقُ بِهِ»^۴ این است که این سه نفر از کسانی نقل می‌کردند، که ثقه بوده‌اند، چه نام آن‌ها را بیاورند و چه نیاورند؛ یعنی استاد بدون واسطه این سه نفر ثقه هستند و مراسلات بلاواسطه آن‌ها قابل قبول است. بنابراین، اگر آن‌ها با دو واسطه از امام معصوم نقل کنند، تنها نفر اول ثقه است. به عنوان نمونه وقتی ابن ابی

۱. و إذا كان أحد الراويين مسندا والآخر مرسلا، نظرفی حال المرسل، فإن كان مَعْن يعلم أنه لا يرسل إلا عن ثقة موثق به، فلا ترجيح لخبر غيره على خبره، ولأجل ذلك سَوَّ الطائفة بين ما يرويه محمد بن أبي عمير و صفوان بن يحيى و أحمد بن محمد بن أبي نصر- و غيرهم من الثقات الذين عرفوا بأنهم لا يروون ولا يرسلون إلا عَمَّنْ يوثق به- و بين ما أسنده غيرهم، و لذلك عملوا بمراسيلهم إذا انفردوا عن رواية غيرهم (العدة، ج ۱، ص ۱۵۴).

۲. آقای عرفانیان شمار راویان مشمول این قاعده را ۵۸۸ نفر، آقای شیخ مسلم داوری ۷۶۷ نفر و آقای تجلیل ۴۷۸ نفر می‌دانند (قواعد توثیق راویان، ص ۱۰۸).

۳. کتاب القصاص، جلسه ۱۷.

۴. العدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۵۴.

عمیراز هشام بن سالم و او از سلیمان اسکاف نقل کند، بنا بر قاعده، تنها هشام توثیق می شود.

نکته دومی که آیه الله خامنه ای بر آن تأکید دارند، تفاوت تفسیر از قاعده مشایخ ثقات و اصحاب اجماع است. در اصحاب اجماع ایشان براین باورند که سند اگر به درستی به اصحاب اجماع برسد، حدیث صحیح است و راویان ما بعد آن بررسی نمی شود. اما دلالت مستند قاعده مشایخ ثقات صحت حدیث نیست، بلکه تنها توثیق مشایخ این سه نفر است.^۱

به عبارت دیگر، کارایی قاعده مشایخ ثقات رجالی و کارایی قاعده اصحاب اجماع درایه ای است. به عنوان نمونه، درباره مفضل بن صالح که در مواردی وی را پیش تر تضعیف کرده بودند،^۲ به قرائن متعددی برای توثیق وی روی آورده اند که از مهم ترین قرائن همین قاعده توثیق راویان مشایخ ثقات است. وی می گوید:

از جمله قرآنی که بر وثاقت مفضل بن صالح می توان به آن استناد کرد، نقل صفوان بن یحیی، بزندی و ابن ابی عمیر از اوست. این مشایخ ثلاثه کسانی هستند که روایت نمی کنند الا عن ثقة، این را به عنوان مبنا در مباحث رجالی پذیرفتیم که آن کسی که این سه نفر از او روایت می کنند، مورد وثوق هستند.^۳

ایشان از این قاعده برای توثیق راویانی چون قاسم بن محمد جوهری^۴ و موسی بن بکر^۵ بهره برده اند.

بنابراین، کارایی قاعده مشایخ ثقات، رجالی است، نه درایه ای. البته باید توجه داشت که هر سه راوی، در شمار اصحاب اجماع بوده و بنا بر مستند قاعده اصحاب اجماع و مبنای آیه الله خامنه ای حدیث ایشان صحیح است.

۲-۵. توثیق مشایخ جعفر بن بشیر

جعفر بن بشیر یا أبو محمد بجلي و شاء (م ۲۰۸ق) از راویان ثقة، زاهد و عابد کوفه بوده

۱. رک: کتاب المکاسب، جلسه ۶۲.

۲. کتاب القصاص، جلسه ۲۹۲؛ خارج فقه مکاسب محرّمه، جلسه ۱۳۶ و ۲۶۴.

۳. کتاب المکاسب، جلسه ۵۹۳.

۴. کتاب المکاسب المحرّمه، جلسه ۵۹ و ۵۹۳.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۱۷.

است. نجاشی پس از توثیق وی به نقل از ابن نوح می‌نویسد:

كان يلقب ففحة العلم، روى عن الثقات ورووا عنه.^۱

از این عبارت برداشت شده که جعفر بن بشیر تنها از راویان ثقه نقل روایت می‌کند و قاعده‌ای در توثیقات عام شکل گرفته مبنی بر این که تمام مشایخ جعفر ثقه هستند.^۲

آیه‌الله خامنه‌ای جعفر بن بشیر را راوی عالی‌قدر و ثقه دانسته و قاعده توثیق مشایخ او را نیز پذیرفته است.^۳ وی با تکیه بر همین قاعده مفضل بن صالح را توثیق می‌کند.^۴

۳-۵. توثیق مشایخ در اکثار أجلاً (توثیق عملی)

یکی از قواعد رجالی که آیه‌الله خامنه‌ای در بررسی بسیاری از اسناد به آن تکیه و در توثیق راویان مجهول از آن بهره می‌برد، قاعده اکثار مشایخ أجلاً است. در این قاعده به این پرسش پاسخ داده می‌شود که روایت بزرگان و أجلاً طایفه از یک راوی مجهول تا چه اندازه می‌تواند توثیق آن راوی را در پی داشته باشد؟ به بیان دیگر، آیا روایت بزرگان یا کثرت روایت ایشان از یک راوی، بروثاقت آن راوی دلالت می‌کند یا خیر؟

در پاسخ به این پرسش، سه دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول، کثرت روایت بزرگان از یک راوی مجهول دلیل بروثاقت راوی است.

دیدگاه دوم، روایت بزرگان از یک راوی مجهول - حتی اگر پرسامد هم نباشد - بروثاقت آن راوی دلالت دارد.

دیدگاه سوم، روایت بزرگان حتی اگر کثرت هم داشته باشد، دلالتی بروثاقت آن مشایخ ندارد.^۵ آیه‌الله خامنه‌ای دیدگاه اول را پذیرفته‌اند.

مدعیان دیدگاه اول و حتی دیدگاه دوم به دلایلی چون سیره جاری بین محدثان، سیره عقلا و روایتی در کتاب کشی استناد می‌کنند. کشی در ذیل معرفی محمد بن سنان، برای اعتبار بخشی به وی می‌نویسد:

۱. رجال النجاشی، ص ۱۱۹ ش ۳۰۴.

۲. رک: اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۲ ص ۲۳۰.

۳. کتاب القصاص، جلسه ۱۴۴.

۴. کتاب المکاسب، جلسه ۳۳۴.

۵. اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۲ ص ۳۳۱.

قَدْ رَوَى عَنْهُ الْفَضْلُ وَأَبُوهُ وَيُونُسُ وَمُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى الْعَبِيدِيُّ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ابْنَا سَعِيدِ الْأَهْوَازِيِّانِ وَابْنَا دُنْدَانٍ وَأَيُّوبُ بْنُ نُوحٍ وَغَيْرُهُمْ، مِنَ الْعُدُولِ وَالثَّقَاتِ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ.^۱

به نظر می‌رسد کشی با معرفی شاگردان و راویان جلیل و ثقه‌ای که از محمد بن سنان حدیث نقل کرده‌اند و همچنین عبارت پایانی «وَعَيْرُهُمْ، مِنَ الْعُدُولِ وَالثَّقَاتِ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ» در مقام ترفیع جایگاه محمد است.

آیه الله خامنه‌ای با سه شرط نقل ثقات را نشانگر وثاقت مشایخ ایشان می‌داند:

شرط اول، ناقل و شاگرد راوی مجهول، باید از اجلاً و بزرگان باشد؛

شرط دوم، اجلاً باید مکرر و بسیار از راوی مجهول نقل روایت کنند. نقل معدود و اندک نمی‌تواند تلازمی با وثاقت مشایخ اجلاً داشته باشد؛

شرط سوم، این‌که راوی مجهول در نزد رجالیان تضعیف نشده باشد. البته مقصود از تضعیف آن دسته از ضعف‌هایی است که وثاقت راوی را نشانه رفته باشد نه ضعف‌های مربوط به مذهب و یا حدیث پژوهی راوی.

برای نمونه، آیه الله خامنه‌ای با علم به این‌که: «معلی بن محمد» فاقد توثیق خاص است، اما وی را ثقه می‌داند و دلیل وثاقت را هم کثرت روایات حسین بن محمد اشعری از معلی بن محمد می‌داند و تصریح می‌کند که:

نمی‌شود یک فقیه و محدث بزرگی مثل حسین بن محمد، از شخصی که مورد وثوق او نیست و او را توثیق نمی‌کند و ثقه نمی‌داند، بیش از سی صد روایت در ابواب مختلف فقهی، اخلاقی، اعتقادی و غیره نقل بکند! انسان‌های معمولی ممکن است از افراد ضعیف نقل بکنند، لکن بزرگانی که مقید بودند که در شرایع دین، احکام دین هر چیزی را از هر کسی نقل نکنند؛ کسی مثل حسین بن محمد با این جلالت مقامی که ایشان دارند، جزو بزرگان اشعریین قمیین است، از یک شخصی که موثوق به و مورد اعتماد نیست، این همه روایت در ابواب مختلف فقهی نقل کند، بسیار بعید است.^۲

ایشان در ادامه تضعیفاتی چون مضطرب الحدیث و المذهب را - که نجاشی برای معلی

۱. رجال الکشی، ص ۵۰۸ و ۵۰۷.

۲. المکاسب المحرمه، جلسه ۳۳۳.

بن محمد آورده^۱ - قابل جمع با وثاقت راوی ارزیابی می‌کند.

در مقابل، اگر اکثراً اجلاً از یک راوی با تضعیف خاصّی او تعارض داشته باشد، تضعیف خاصّی تقدّم می‌شود؛ چنان‌که از «محمد بن علی کوفی، ابوسمینه» بزرگانی چون احمد بن محمد بن خالد برقی و محمد ابی‌القاسم ماجیلویه روایات فراوانی نقل کرده‌اند؛ اما در نقطه مقابل این اکثار، جرحی صریح وجود دارد و بزرگان علم رجال او را با عبارات شدیدی جرح کرده‌اند.^۲ بنابراین، جرح خاصّی مقدم است و روایات وی نامعتبر شمرده می‌شود.^۳

باید توجه داشت که این تقدّم جرح، از باب تعارض جرح و تعدیل نیست؛ زیرا توثیقی که از «اکثار در روایت» به دست می‌آید، توثیق صریح نیست، بلکه صرفاً قرینه و اماره توثیق به شمار می‌رود، و اماره توان مقاومت در برابر جرح صریح را ندارد.^۴

آیه‌الله خامنه‌ای از قاعده اکثار برای توثیق راویان بسیاری بهره برده است که می‌توان به توثیق افرادی چون ابراهیم بن هاشم،^۵ معلی بن محمد،^۶ جابر بن یزید جعفی^۷ و محمد بن موسی بن متوکل^۸ براساس این قاعده اشاره کرد.

در این نظریه دو نکته اساسی وجود دارد: نخست آن‌که چه کسانی در جایگاه «اجلاً» قرار می‌گیرند، و دوم آن‌که «کثرت نقل» بر چه مقدار از روایات اطلاق می‌شود.

از روش معظم‌له چنین برمی‌آید که تنها کسانی که در کتب رجال با تعبیر «جلیل‌القدر» معرفی شده‌اند در شمار اجلاً قرار نمی‌گیرند، بلکه هر فردی که در میان محدّثان به بزرگی، فقاہت و عظمت علمی شناخته شده باشد - اگر عبارات صریح رجالی در دست نباشد - با داشتن قرائن معتبر بر جلالت، داخل در عنوان «جلیل‌القدر» محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، عدد خاص و دقیقی درباره میزان نقل لازم برای صدق عنوان «کثرت روایت» از ایشان به دست نمی‌آید؛ اما از تتبع در موارد کاربرد این تعبیر روشن می‌شود که حداقل حدود یکصد روایت را می‌توان نشانه‌ای از «کثرت نقل» دانست، در حالی که

۱. رجال النجاشی، ص ۴۲۸ ش ۱۱۱۷

۲. نجاشی می‌نویسد: ضعیف جداً لا یعتد علیہ بشیء.

۳. صلاة مسافر، جلسه ۱۱۲؛ صلاة جماعت، جلسه ۶۰.

۴. صلاة مسافر، جلسه ۱۱۲؛ صلاة جماعت، جلسه ۶۰.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۱۲۰.

۶. المکاسب المحرّمة، جلسه ۹۵، ۲۶۸ و ۳۳۳.

۷. المکاسب المحرّمة، النوع الثانی: ما یحرّم لتحریم ما یقصد به، جلسه ۱۰۱.

۸. کتاب المکاسب، جلسه ۲۶۵.

نقل‌هایی در حدود بیست یا سی روایت، برای صدق این عنوان کافی شمرده نشده است. به عنوان نمونه شمارگان بیش از سه هزار روایت بزرگانی چون علی بن ابراهیم و صفار از ابراهیم بن هاشم،^۱ سیصد روایت حسین بن محمد اشعری از معلی بن محمد^۲ و صد روایت صدوق از محمد بن موسی بن متوکل^۳ را برای کارایی قاعده کافی دانسته‌اند، ولی حدود سی روایت شیخ صدوق از عبدالواحد بن عبدوس را برای توثیق وی ناکافی ارزیابی کرده‌اند.^۴ از نگاه آیه الله خامنه ای نه تنها بزرگانی چون صفار، علی بن محمد علان کلینی، شیخ کلینی و شیخ صدوق، از محدثان جلیل القدر هستند، حتی «ابراهیم بن هاشم قمی» - که توثیق صریح ندارد - نیز می‌تواند از اجلاً باشد؛^۵ چه این که ایشان براین باورند قرائن بیان شده در منابع رجالی جایگاه راوی را می‌تواند تبیین کند. از این رو، وقتی ابراهیم بن هاشم اولین کسی است که حدیث کوفه را به قم آورده است، پدر حدیث قم به شمار می‌آید و قمی‌های محتاط و بسیار مقید در نقل حدیث - که ناقلان از ضعف را از شهر بیرون می‌کردند - با اشتیاق تمام روایات ابراهیم را قبول کردند.^۶ بنابراین، وی نه تنها ثقه، بلکه از اجلای امامیه است.

۵-۵. تصحیح روایات و توثیق اصحاب اجماع

از قواعد مهم و پرکاربرد دانش رجال، شهادت شیخ کشی درباره سه گروه از اصحاب ائمه علیهم‌السلام است که با عنوان «قاعده اصحاب اجماع» شناخته می‌شود. تکرار عبارت مشترک «أَجْمَعَتِ الْعَصَابَةُ عَلَى تَصْحِيحِ مَا يَصِحُّ مِنْ هَؤُلَاءِ وَتَصْدِيقِهِمْ لِمَا يَقُولُونَ»، با اندکی تفاوت در سه متن، منشأ برداشت‌های متعددی شده است.

این تفاوت برداشت‌ها در نهایت به پنج دیدگاه مشهور درباره مفهوم این عبارت انجامیده است:

دیدگاه اول: تنها وثاقت خود اصحاب اجماع (۱۸ تا ۲۲ نفر).

دیدگاه دوم: صحت روایات اصحاب اجماع.

دیدگاه سوم: صحت روایات اصحاب و وثاقت اصحاب اجماع.

۱. کتاب القصاص، جلسه ۱۲۰.

۲. المکاسب المحرمه، جلسه ۳۳۳.

۳. کتاب المکاسب، جلسه ۲۶۵.

۴. کتاب المکاسب المحرمه، جلسه ۴۱۰.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۹۵.

۶. همان، جلسه ۱۲۰.

دیدگاه چهارم: صحت روایات، وثاقت اصحاب اجماع و توثیق واسطه‌های نقل از اصحاب اجماع تا معصوم (ع).

دیدگاه پنجم: بیان مقام فقهی اصحاب اجماع.^۱

آیه‌الله خامنه‌ای در ارزیابی اسناد، عملاً دیدگاه سوم را برگزیده است. وی می‌افزاید که از عبارات مستند رجال کثی برمی‌آید که اصحاب اجماع، فقیه، دین‌شناس و حدیث‌شناس‌اند و تعبیرهای «فقاہت» و «صحت» که در سه مستند آمده، با یکدیگر ارتباط دارند. مقصود آن است که این افراد، به اجماع اصحاب، دین‌شناس و فقیه بوده و از مضمون روایت، صحت و اتقان آن را درمی‌یابند.

براین اساس، نقل آنان برای اعتماد به روایت کافی است.^۲

در نظرگاه ایشان، آن دسته از اصحاب اجماع که مانند «ابان بن عثمان در کلام رجالیان متقدم توثیق نشده‌اند، به دلیل آن‌که در شمار اصحاب اجماع هستند، نه تنها ثقه بلکه در بالاترین درجه وثاقت هستند». ^۳ ایشان براین باور است که شاید شبهه‌ای در تصحیف عبارت‌های «ثقة» نجاشی و شیخ طوسی، وجود داشته باشد - هر چند غیر قابل اعتنا - محتمل باشد، ولی در عبارت «أَجْمَعَتِ الْعَصَابَةُ عَلَى تَصْحِيحِ مَا يَصْحُحُ عَنْهُمْ» نمی‌توان تردید کرد که کمترین چیزی که از این عبارت فهمیده می‌شود، وثاقت آن‌هاست.^۴ آیه‌الله خامنه‌ای درباره دلالت عبارت کثی قائل به صحت روایاتی است که اصحاب اجماع نقل می‌کنند. وی تصریح می‌کند:

اگر روایتی را [اصحاب اجماع] نقل کردند، آن روایت را ما قبول می‌کنیم؛ یعنی نگاه نمی‌کنیم به راوی بعد از کسی که جزو اصحاب اجماع است.^۵

بنابراین، قاعده اصحاب اجماع بیش از آن‌که جنبه رجالی داشته باشد، کاربرد درایه‌ای دارد. براین اساس، راویانی که پس از اصحاب اجماع تا امام معصوم قرار دارند، نیاز به بررسی رجالی جداگانه ندارند. حتی اگر ادامه روایت مرسل باشد یا راویانی مجهول یا مجروح

۱. قواعد رجالی، ص ۱۳۳ تا ۱۳۹.

۲. کتاب القصاص، جلسه ۳۲۴.

۳. صلات جماعت، جلسه ۱۲، کتاب القصاص، جلسه ۲۳.

۴. صلات جماعت، جلسه ۱۲، کتاب القصاص، جلسه ۲۳.

۵. صلاة جماعت، جلسه ۱۲؛ کتاب القصاص، جلسه ۲۳.

در میان باشند، به صحت روایت آسیبی وارد نمی شود؛ زیرا مطابق ادبیات متقدمان، صحت روایت برای این افراد با قرائن مختلف مورد تأیید شمرده می شده است.^۱

تنها شرطی که آیه الله خامنه ای برای شمولیت این قاعده قائل اند، این است که دامنه قاعده تنها افراد غیراختلافی اصحاب اجماع را در بر می گیرد.^۲

فضای هر سه عبارت در رجال کشی کاملاً فقهی است و هر سه متن ذیل عبارت «تسمیه الفقهاء» آمده است. آیه الله خامنه ای می گوید:

از عبارت کشی به دست می آید که ایشان به فقاہت آنان هم توجّه داشته است؛ یعنی چون ایشان فقیه و حدیث شناس اند و کلام امام علیه السلام را می فهمند، لذا اگر روایتی را ولو از طریق مجهولی (که البته برای ما مجهول است، چون او می داند که از چه کسی نقل شده)، یا به نظر ما از شخص مجروحی نقل کنند، این سند درست است؛ چون اطمینان به صحت سند داشته اند. و اگر مطمئن نبودند، آن را نقل نمی کردند. این معنای عبارت شیخ کشی است.^۳

شایان ذکر است که مجموع افرادی که در سه عبارت کشی از آن ها یاد شده، بیست و دو نفر هستند. از این میان، هجده نفر در هر سه طایفه مورد اجماع شمرده می شوند. در طایفه اول و سوم، چهار نفر مورد اختلاف بین فقهای امامیه قرار دارند که به تعداد مُجمَعین افزوده می شود.

بنابراین، قدر متیقّن قاعده شانزده نفر می شوند که درباره آن ها هیچ اختلافی گزارش نشده و عبارت اند از:

زاره بن اعین شیبانی، معروف بن خربوذ مکی، بُرید بن معاویه عجلّی، فضیل بن یسار نهدی، محمد بن مسلم طائفی، جمیل بن ذرّاج، عبد الله بن مُسکان، عبد الله بن بُکیر، حماد بن عیسی، حماد بن عثمان، أبان بن عثمان، یونس بن عبد الرحمان، صفوان بن یحیی، محمد بن أبی عمیر، عبد الله بن مغیره و احمد بن محمد بن أبی نصر بنطی.
بنا بر دیدگاه آیه الله خامنه ای، هر شانزده نفر ثقه هستند و روایاتی که ایشان از هریک از این افراد - چه مُسنداً و چه مرسلأ - از معصوم نقل می کنند، صحیح محسوب می شود.

۱. کتاب القصاص، جلسه ۱۰، ۱۵ و ۲۲.

۲. همان، جلسه ۱۵.

۳. همان، جلسه ۲۲.

۵-۶. توثیق راویان کتاب تفسیر القمی

در مقدمه کتاب تفسیر علی بن ابراهیم قمی (زنده به سال ۳۰۷ ق)^۱ آمده است:

و نحن ذاکرون و مخبرون بما یتتہی إلینا، و رواہ مشایخنا و ثقاتنا عن الذین فرض الله طاعتهم، و أوجب ولايتهم، ولا یقبل عمل إلا بهم.^۲

این عبارت زمینه ساز قاعده رجالی توثیق راویان کتاب تفسیر القمی شده است.

شیخ حرعاملی با استناد به آن به ثبوت احادیث تفسیر القمی و وثاقت راویان آن پی برده^۳ و رجالی معاصر آیه الله خویی نیز بر این باور است که استنتاج صاحب وسائل کاملاً صحیح است؛ زیرا علی بن ابراهیم با بیانش درصدد اثبات صحت تفسیر خود برآمده و بر آن است تا نشان دهد که روایاتش از معصومان صادر شده و از رهگذر مشایخ و ثقات شیعه رسیده است. از این رو، دلیلی نیست که توثیق مورد بحث را - آن گونه که برخی پنداشته اند - به مشایخ بی واسطه علی بن ابراهیم ویژه کرد.^۴

در انتساب کتاب به علی بن ابراهیم، یا عدم انتساب آن، یا انتساب بخشی از کتاب به وی، سه دیدگاه مطرح است که آیه الله خامنه ای دیدگاه سوم، یعنی انتساب بخشی از کتاب را پذیرفته است.

همچنین در دلالت متن مقدمه بر توثیق راویان تفسیر القمی، یا توثیق همه راویان بلاواسطه، یا عدم توثیق مطلق، حداقل سه دیدگاه وجود دارد که آیه الله خامنه ای دیدگاه نخست، یعنی توثیق تمام راویان را برگزیده است. البته وی شمول این قاعده را تنها برای بخش هایی از کتاب که قطعاً از علی بن ابراهیم است، جاری می داند.^۵

بر اساس پژوهش های جدید اگر انتساب تمامی کتاب را به علی بن ابراهیم بپذیریم، راویان ۶۸۰ روایت، در دایره توثیق عام قرار می گیرند. اما بر اساس دیدگاهی که تنها بخش هایی از کتاب به تفسیر

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۲ ح ۴۳: حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجَبِ سَنَةِ ثَلَاثِينَ وَثَلَاثِينَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ سَنَةَ ثَلَاثِينَ وَثَلَاثِينَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ...

۲. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۴.

۳. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۰۲.

۴. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۴۹.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۳۲۳.

القمی اختصاص یافته است، این تعداد به ۳۸۰ روایت کاهش می یابد.^۱
آیه الله خامنه ای تصریح می کنند:

ما همان گونه که بر رجال اسناد کامل الزیارات اعتماد داریم، بر رجال تفسیر القمی نیز تکیه می کنیم. با این حال، مسلم نیست که همه روایات موجود در تفسیر از علی بن ابراهیم باشد؛ زیرا احتمالاً بخشی از آن با تفسیر ابی الجارود مخلوط شده است.^۲
ایشان براین باورند که در مواردی که یقین حاصل شود روایت از بخش تفسیر القمی است، باید حکم به وثاقت آن کرد.^۳

طبیعی است که در مواردی که تردید باشد روایتی از تفسیر القمی است یا تفسیر ابی الجارود، نمی توان قاعده توثیق عام را اجرا کرد. از این رو، ایشان درباره یحیی بن المبارک - که در تفسیر القمی آمده است - به همین دلیل تصریح می کنند که شمول توثیق عام علی بن ابراهیم درباره وی احراز نمی شود.^۴

آیه الله خامنه ای، با توجه به کلمه ثقاتنا در مقدمه تفسیر، شمول قاعده را تنها برای کسانی می دانند که امامی بودن ایشان ثابت شده باشد و برای راویان مجهول المذهب یا عامی این قاعده را جاری نمی دانند.^۵

آیه الله خامنه ای راویانی چون ابوالورد^۶ و اسماعیل بن ابی زیاد سکونی^۷ را با تکیه بر قاعده توثیق راویان تفسیر القمی، ثقه دانسته اند.

۷-۵. توثیق راویان کتاب کامل الزیارات

ابن قولویه (م ۳۶۸ یا ۳۶۹ ق) در مقدمه کتاب کامل الزیارات^۸ تصریح می کند که احادیث

۱. قواعد توثیق راویان، ص ۶۳؛ «نقد و بررسی تفسیر قمی»، ص ۴۹.

۲. کتاب القصاص، جلسه ۷۳ و ۷۴.

۳. همان، جلسه ۷۴.

۴. کتاب القصاص، جلسه ۷۳.

۵. کتاب المکاسب، جلسه ۲۷۲. بنابراین، سلیمان بن مسلم الخشاب، عبد الله بن جریح مکی و عطاء بن ابی رباح را مشمول قاعده نمی دانند؛ هرچند که نام ایشان در تفسیر القمی آمده است.

۶. کتاب القصاص، جلسه ۱۷۹.

۷. همان، جلسه ۸۵.

۸. کامل الزیارات، ص ۴: وَلَمْ أُخْرِجْ فِيهِ حَدِيثًا زَوِيَّ عَنْ غَيْرِهِمْ، إِذَا كَانَ فِيهِمَا زَوِيَّ عَنْهُمْ مِنْ حَدِيثِهِمْ ﷺ كَفَايَةً عَنْ حَدِيثِ غَيْرِهِمْ. وَقَدْ عَلِمْنَا أَنَّ لَا نُحِيطُ بِجَمِيعِ مَا زَوِيَّ عَنْهُمْ فِي هَذَا الْمَعْنَى وَلَا فِي غَيْرِهِ. لَكِنْ، مَا وَقَعَ لَنَا مِنْ جِهَةِ الثَّقَاتِ ←

کتابش را از راویان شیعه ثقه نقل می‌کند. این عبارت از زمان شیخ حرعاملی تاکنون مورد مناقشه بوده است. تاکنون سه دیدگاه و برداشت از مقدمه ابن قولویه ارائه شده است:

دیدگاه اول، توثیق تمام راویان شیعی سلسله اسناد متصل تا معصوم.

دیدگاه دوم، توثیق راویان بدون واسطه ابن قولویه.

دیدگاه سوم، عدم دلالت بر توثیق یا مدح راویان.

شیخ حرعاملی^۱ دیدگاه اول، محدث نوری^۲ و آیه‌الله خویی^۳ دیدگاه دوم و آیه‌الله سیستانی^۴ دیدگاه سوم را اختیار کرده‌اند.

با توجه به عملکرد آیه‌الله خامنه‌ای در سندشناسی، می‌توان دریافت که ایشان با شیخ حرعاملی هم‌داستان بوده و تمام راویان طرق کامل الزیارات را ثقه می‌داند. مستند وی ظهور عبارت ابن قولویه است. از این رو، می‌گوید:

«ابن قولویه در آغاز کتاب خود می‌گوید: «من از رجال ثقات نقل می‌کنم». البته بعضی گفته‌اند مراد از «ثقات»، مشایخ بلاواسطه خود ایشان است، ولی این با ظاهر متن سازگار نیست؛ زیرا مقصود ایشان از ذکر این مطلب، بیان اعتبار کتاب است و این اعتبار با وثاقت تنها نفر اول از روات و معلوم نبودن حال نفرات بعد ثابت نمی‌شود، بلکه با وثاقت تمامی سلسله اسناد محقق می‌گردد. بنابراین، ظاهر کلام ایشان آن است که همه افراد واقع در سند به نظر او موثق می‌باشند.^۵

گفتنی است، آیه‌الله خامنه‌ای دیدگاه نخست آیه‌الله خویی و عدول از آن را بیان و این بازگشت را خلاف ظاهر ارزیابی کرده‌اند.^۶

→ مِنْ أَصْحَابِنَا رَحِمَهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ. وَلَا أُخْرِجَتْ فِيهِ حَدِيثًا رَوَى عَنْ الشُّذَّازِ مِنَ الرِّجَالِ، يُؤَيِّزُ ذَلِكَ عَنْهُمْ عَنِ الْمَذْكُورِينَ، غَيْرِ الْمَعْرُوفِينَ بِالرِّوَايَةِ الْمَشْهُورِينَ بِالْحَدِيثِ وَالْعِلْمِ.

۱. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۰۲.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۵۲.

۳. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۵۰. آیه‌الله خویی ابتدا دیدگاه اول را پذیرفته بودند و با شیخ حرعاملی هم‌داستان بودند، اما از این دیدگاه عدول کرده و به دیدگاه دوم متمایل شدند (رک: اصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق، ج ۱، ص ۱۸۴ و ۱۸۵).

۴. قاعدة لا ضرر ولا ضرار، ص ۲۱.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۹. در همین جلسه این قاعده را به طور مفصل تبیین کرده‌اند و در جلسات دیگری نیز به این نکته تصریح کرده‌اند، مانند: جلسه ۱۲۵.

۶. همان، جلسه ۹.

به نظرمی رسد قائلین دیدگاه اول از عبارت «لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا» مفهوم «ما وَصَلَ إلینا» را دریافت کرده اند، که برگردان دقیق آن، راویانی است که در سلسله سند متصل ابن قولویه تا معصوم قرار دارند.

در این دیدگاه، از عبارت «من أصحابنا» مندرج در مقدمه ابن قولویه معمولاً برداشت شده که این توثیق عام تنها شامل راویان شیعه می شود. اما آنچه در عملکرد آیه الله خامنه ای نیازمند تأمل بیشتر است، این است که ایشان برای توثیق محمد بن اسماعیل سکونی نیز در مواردی به قاعده توثیق راویان کامل الزیارات استناد کرده اند.^۱

این بیان یکی از دو احتمال را تقویت می کند: نخست این که ایشان سکونی را عامی نمی داند و یا دست کم در مذهب وی تردید دارد. موبد این احتمال بیاناتی است که در بعضی از جلسات درس ایراد کرده اند:

اگرچه سکونی معروف است که عامی است. البته به نظر ما عامی بودن سکونی مسلم نیست.^۲

از بعضی از نقل ها استفاده می شود که ایشان شیعه و معتقد به ولایت ائمه علیهم السلام بوده.^۳

بعضی از بزرگان اهل رجال هم احتمال داده اند شیعه بوده و تقیه می کرده است.^۴

احتمال دوم این است که آیه الله خامنه ای بر این باورند که این توثیق شامل تمام راویانی است که در سلسله سندهای کتاب آمده است. چنانچه تصریح می کنند:

مبنای ما ثقة بودن همه رجال کامل الزیارات است.^۵

در این صورت، باید تنها شامل راویانی شود که تضعیف خاصی برای آن ها در منابع رجالی و روایی نیامده باشد. در این صورت، قاعده فوق، با فرض بر این که سکونی عامی هم باشد، وی را در بر می گیرد.^۶

۱. همان، جلسه ۸۵.

۲. کتاب المکاسب، جلسه ۶۰۰.

۳. کتاب المسافر، جلسه ۴۵.

۴. همان، جلسه ۶۰۰.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۹.

۶. آیه الله خامنه ای تنها آن دسته از روایات سکونی را که مخالف مشهور و قواعد مسلم فقه نبوده، و معارض نداشته باشد می پذیرند (رک: همان، جلسات ۴۷، ۸۵، ۸۷ و ۹۶).

آیه‌الله خامنه‌ای برای توثیق بسیاری از روایان مانند حسین بن یزید نوفلی،^۱ قاسم بن محمد جوهری،^۲ علی بن حاتم قزوینی،^۳ عبد الله بن محمد بن عیسی اشعری^۴ و اسماعیل بن ابی زیاد سکونی^۵ به قاعده توثیق روایان کامل الزیارات تمسک جسته‌اند.

۸-۵. پذیرش روایات سهل بن زیاد تنها در کتاب الکافی

گذشت که آیه‌الله خامنه‌ای قاعده اکثار اجلاً را پذیرفته‌اند. با این حال، در شرایط آن برایین باورند که اگر اکثار اجلاً با تضعیف صریح رجالیان تعارض داشته باشد، تضعیف مقدم است. برایین اساس، بر مبنای اکثار، باید قائل به تضعیف سهل بن زیاد شوند. به ویژه آن‌که نجاشی درباره وی تصریح می‌کند:

كان ضعيفاً في الحديث، غير معتمد فيه. و كان أحمد بن محمد بن عيسى يشهد عليه بالغلو والكذب وأخرجه من قم إلى الری.^۶

اما آیه‌الله خامنه‌ای در این مسئله خاص دیدگاه متفاوتی دارند. ایشان با پیروی از علامه شوشتری در قاموس الرجال^۷ برایین باورند که سهل بن زیاد را نمی‌توان به طور مطلق ثقه برشمرد؛ زیرا وی روایات ضعیفی گزارش کرده و متهم به غلو، کذب و ضعف است.

با این حال، روایاتی را که کلینی از وی در الکافی نقل کرده، صحیح می‌دانند. به عبارت دیگر، وثاقت سهل را در پاره‌ای از روایات وی، آنچه در الکافی آمده، می‌توان پذیرفت. همین مبنا را توسعه داده و گاه بر افرادی چون حمید بن زیاد واقفی نیز تطبیق می‌دهند و روایات او را تصحیح و شخصیتش را توثیق می‌کنند.^۸

۱. کتاب القصاص، جلسه ۱۵۰.

۲. کتاب المكاسب المحرمة، جلسه ۵۹ و ۵۹۳.

۳. کامل الزیارات، ص ۲۵۰.

۴. کتاب القصاص، جلسه ۹.

۵. همان، جلسه ۴۷ و ۸۵.

۶. رجال النجاشی، ص ۱۸۵، ش ۴۹۰.

۷. کتاب القصاص، جلسه ۱۷. آیه‌الله خامنه‌ای: البته این نظر، ابتکاری ما نیست. مبتکر این نظر مرحوم شوشتری - رضوان الله علیه - صاحب قاموس الرجال هستند و ما این نظر را پسندیدیم و به نظرم آن حرف درستی است و لذا ما هم به روایات ایشان (سهل بن زیاد) در الکافی اعتماد می‌کنیم.

۸. کتاب القصاص، جلسه ۱۱.

آیه الله خامنه ای در جلسه هفدهم درس خارج کتاب القصاص درباره سهل چنین می گویند:

... ما به روایات سهل بن زیاد که در «الکافی» از ایشان نقل شده است، اعتماد داریم. البته فرمایشات آیه الله خویی و برخی دیگر از بزرگان و همچنین جمع بندی برخی از دوستانی که برای ما ارسال کرده اند - که همه در مجموع به اعتماد به سهل بن زیاد اشاره دارند - را نیز مشاهده کرده ایم.

با این حال، این اعتماد را به طور مطلق نمی پذیریم. چرا که نجاشی، که خریط فن و از برجسته ترین علمای رجالی ماست، درباره او می گوید: «غیر معتمد، ضعیف فی الحدیث». همچنین، احمد بن محمد بن عیسی، رئیس اشعریون در قم، علیه وی شهادت داده است که او متهم به غلو و کذب بوده است: کان یشهد علیه بالغلو و الکذب.^۱

بنابراین، نمی شود به طور مطلق به روایات این بزرگوار اعتماد کرد و اگر به روایاتش در الکافی اعتماد می کنیم به خاطر عظمت و شخصیت کلینی است. کلینی خودش اهل ری بود و از این بزرگوار با یک واسطه روایت می کند. آن واسطه هم عده ای می باشند که در میان آن ها علی بن محمد علان کلینی است که ثقه و بسیار شخص عالی قدری است و صدها مورد از این بزرگوار احکام را روایت کرده است... [از طرفی] انصافاً هم هر جا ما روایت سهل بن زیاد را در الکافی ملاحظه می کنیم، غالباً همین روایت رایج و معمول به و معروف عند الاصحاب است.^۲

بنا بر آنچه گذشت، ایشان با گردآوری چند قرینه به پذیرش روایت سهل در الکافی روی آورده اند:

۱. شخصیت کلینی: جایگاه رفیع وی، اهل ری بودن و نزدیکی زمانی وی با سهل.
۲. شاگردان سهل: واسطه بین کلینی و سهل گروهی از اجلا هستند، مانند علان کلینی
۳. نقل روایات الزام آور: کلینی و علان روایات گسترده ای در حیطه احکام از وی نقل کرده اند که میان روایات از جایگاه بالایی برخوردار است.

۱. نه تنها به غلو او شهادت داده می شد، بلکه در برخی موارد، افرادی غلو را به وی نسبت دادند و ما معتقدیم که این اشتباه بوده است، زیرا قمی ها گاهی مواردی را که غلو نبود، به اشتباه غلومی دانستند. در واقع، علیه او شهادت به کذب داده شد و به همین دلیل، وی از قم به ری تبعید گردید.

۲. کتاب القصاص، جلسه ۱۷.

۴. وجدان: متن روایات سهل در الکافی در قیاس روایات دیگر راویان در همان موضوع، همخوانی دارد.

۹-۵. پذیرش قاعده ترخّم و ترضی

از مشهورترین قواعد توثیقات عام، «ترحم و ترضی» است و به ویژه عملکرد شیخ صدوق در این حوزه اهمیت دارد. در این زمینه چهار دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: دلالت ترخّم و ترضی بر وثاقت.

دیدگاه دوم: عدم دلالت ترخّم و ترضی بر وثاقت.

دیدگاه سوم: تفصیل میان ترخّم و ترضی.

دیدگاه چهارم: دلالت ترخّم و ترضی بر تشیع راوی.

دیدگاه اول، رأی مختار جمعی از اخباریان است که بر این باورند ترخّم و ترضی برای بیان جلالت، توثیق یا مدح راوی به کار می‌رود. قائلین دیدگاه دوم، از جمله بسیاری از اصولیان مانند آیه الله خویی، معتقدند ترخّم و ترضی دلالتی بر وثاقت ندارد.^۱

در دیدگاه تفصیل، میان الفاظ تفاوت گذاشته شده است. براساس این نظر، عبارت «غفر الله له» فاقد وصف مدح و توثیق است، عبارت «ترخّم» بیانگر مدح است و عبارت «ترضی» دلالت بر وثاقت راوی دارد.^۲

به نظر می‌رسد آیه الله خامنه‌ای دیدگاه چهارم را پذیرفته‌اند. ایشان نهایت دلالت «ترخّم» و «ترضی» صادر شده از محدثانی همچون شیخ صدوق را - که به دلایل الفاظ آگاه بوده و در به کارگیری آن‌ها محتاط هستند - صرفاً بر شیعه بودن راوی می‌دانند و آن را تلازمی با وثاقت وی نمی‌دانند.^۳

۱۰-۵. عدم پذیرش قاعده توثیق راویان کثیر الروایة

براساس یکی از قواعد توثیق عام، کثرت نقل روایت یک راوی خود می‌تواند دلیل بر وثاقت وی باشد. قائلین این دیدگاه به روایات امام صادق (ع) در دیباجه کتاب رجال الکشی، مانند «اعْرِفُوا مَنَازِلَ الرِّجَالِ مِنَّا عَلَى قَدْرِ رَوَايَاتِهِمْ عَنَّا»^۴، استناد می‌کنند.

۱. قواعد رجالی، ص ۱۰۲.

۲. همان، ص ۱۰۵.

۳. کتاب المکاسب، جلسه ۲۲۱ و ۲۶۵.

۴. رجال الکشی، ص ۳؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۰، ح ۱۳.

با این حال، غالب فقهای معاصر دلالت مستندات این قاعده را ناقص دانسته و از آن اعراض کرده اند. آیه الله خامنه ای نیز در سلسله دروس خارج فقه بارها بر عدم پذیرش این قاعده تأکید کرده اند. به عنوان نمونه، درباره «معلی بن محمد» می فرمایند:

به دلیل کثرت روایت وی، بعضی او را ثقه می دانند، لکن کثرت روایت از او دلیل وثاقت نمی شود.^۱

۵-۱۱. عدم پذیرش توثیق مشایخ صدوق

دیدگاه های مختلفی در توثیق مشایخ صدوق و مشایخی که مورد ترحم و ترضی قرار گرفته اند، میان برخی رجالیان مطرح است. مشهور محدثان و فقیهان، مشایخ صدوق را صرفاً به دلیل شاگردی نزد وی ثقه نمی دانند. آیه الله خامنه ای نیز با این نظر موافق است و معتقد است که شاگردی نزد شیخ صدوق به تنهایی دلالتی بر وثاقت ندارد.

با این حال، ایشان آن دسته از مشایخی را که شیخ صدوق از آنان اکثار در نقل دارد، ثقه می داند و وثاقت آنان را بر اساس قاعده اکثار مشایخ اجلاً تأیید می کند. اما درباره فردی مانند عبد الواحد بن عبدوس - که استاد شیخ صدوق بوده و تنها در موارد اندکی از او نقل روایت شده است - آیه الله خامنه ای وثاقت وی را نمی پذیرد، هرچند برخی بزرگان معاصر او را ثقه ارزیابی کرده اند.^۲ آیه الله خامنه ای درباره عبد الواحد می گوید:

به صرف این که ایشان شیخ [و استاد] صدوق است و صدوق از ایشان روایت نقل می کند نمی توانیم وثاقت عبد الواحد بن عبدوس را ثابت کنیم.^۳

۶. فواید رجالی

شماری از نکات ارزشمند رجالی در لابلای مباحث دروس خارج آیه الله خامنه ای وجود دارد که می توان آن ها را به عنوان فواید رجالی مرور کرد. برخی از این نکات بیانگر زاویه دید و برخی مبانی رجالی ایشان است. در این بخش، تلاش شده است الفاظ ایشان با دقت حفظ شود:

۱. کتاب القصاص، جلسه ۱۶۳.

۲. آیه الله شبیری زنجانی درباره سندی که نام عبد الواحد بن محمد بن عبدوس در آن است می گوید: سند این روایت به نظر ما معتبر است؛ زیرا عبد الواحد بن محمد بن عبدوس - که در سند این روایت آمده - از مشایخ صدوق است

(کتاب الصوم (شبیری)، ج ۴، ص ۸۸۸).

۳. کتاب المکاسب المحرمه، جلسه ۴۱۰.

فایده اول: تقدم قول نجاشی

در تعارض بین قول نجاشی و شیخ طوسی، آیه الله خامنه‌ای قول نجاشی را مقدم می‌داند: در تعارض بین قول نجاشی و شیخ طوسی قول نجاشی مقدم است.^۱

به خاطر اشتغالات زیادی که مرحوم شیخ داشته‌اند و تبحر ایشان در علوم مختلف فقه، تفسیر، حدیث، کلام و رجال که نشانه عظمت علمی ایشان می‌باشد... از این گونه اشتباهات در آثار ایشان دیده می‌شود و لذا ما قول نجاشی را در موارد اختلاف بین نظر ایشان و شیخ در جرح و تعدیل رجال بر نظر شیخ ترجیح می‌دهیم.^۲

به عنوان نمونه نجاشی درباره داود بن کثیر رقی می‌نویسد:

ضعیف جداً، والغلاة تروی عنه. قال أحمد بن عبد الواحد: قل ما رأيت له حديثاً سديداً.^۳

و شیخ طوسی تصریح به وثاقت وی می‌کند.^۴ آیه الله خامنه‌ای وی را ضعیف می‌داند.^۵ عکس این مطلب درباره ابو خدیجه سالم بن مکرم است؛ در این مورد، تعارض دو دیدگاه شیخ و نجاشی وجود دارد و آیه الله خامنه‌ای جهت تقدم قول نجاشی، وی را ثقه می‌داند.^۶

فایده دوم: عدم تلازم وثاقت با مذهب

مرحوم نجاشی درباره معلی بن محمد فرموده است:

مضطرب الحديث والمذهب.

آیه الله خامنه‌ای بر این باور است که:

اولاً: مضطرب المذهب بودن، دلالت بر عدم وثاقت نمی‌کند. در میان روایت کسانی هستند که اصل ولایت را هم قبول ندارند، اما مورد وثوق‌اند، مثل حفص بن غیاث. اما مضطرب الحديث که ایشان فرمودند، معنایش این است که بعضی از احادیث او را قبول می‌کنیم و بعضی‌ها را قبول نمی‌کنیم. بعضی مثلاً از درجه بالاتری برخوردار

۱. کتاب القصاص، جلسه ۱۸۳.

۲. همان، جلسه ۳۰۹.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۵۶، ش ۴۱۰.

۴. رجال الطوسی، ص ۳۳۶، ش ۵۰۰۳.

۵. کتاب القصاص، جلسه ۱۸۳.

۶. همان.

است. این بیان نجاشی، معنایش نفی وثاقت و تضعیف نیست.^۱

فایده سوم، پذیرش قول شیخ در العدة

پذیرش قول راویانی که در شیخ طوسی در العدة آن‌ها را مورد اعتماد دانسته، هرچند تصریح بر وثاقت ایشان نکرده و غیر امامی هستند نظیر طلحة بن زید^۲ و غیاث بن کلوب و سکونی:^۳

اصحاب به روایات این اشخاص اعتماد کردند، از جمله سکونی و غیاث بن کلوب را اسم آوردند، با این‌که این‌ها عادل نیستند، چون غیر امامی اند. اما چون ثقه‌اند، مورد اعتماد علما قرار دارند.

البته ایشان تصریح به وثاقت نمی‌کنند، اما می‌گویند مورد اعتمادند. بنابراین، ما روایات غیاث بن کلوب را مادامی که معارض با روایت صحیح از طریق خودمان نباشد، قبول می‌کنیم.^۴

فایده چهارم، توثیق راویان زیدی

ایشان توثیقات ابن عقیله، ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید را - که زیدی مذهب هستند - می‌پذیرند.^۵ به نظر می‌رسد که روایات راویان زیدی ثقه را نیز صحیح می‌شمرند.^۶ نمونه:

سلیمان بن خالد طبق طبقه‌بندی مرحوم آقای بروجردی جزو راویان طبقه چهارم شمرده می‌شود، وی در زمره اصحاب حضرت باقر و حضرت ابی عبدالله می‌باشد و او هم مرد بزرگی است، منتها درباره‌اش نظرات مختلفی وجود دارد؛ چون مدتی متهم شده بود به این‌که زیدی است و جزو کسانی است که در کنار جناب زید جنگیده است. اما ما این را جزو افتخارات او می‌دانیم، لکن گویا در آن وقت به خاطر این‌که بدون اجازه امام این حرکت انجام گرفته، برخی آن را عیب می‌دانستند. به هر حال، از نظر ما سلیمان بن خالد هم ثقه است.^۷

۱. المکاسب المحرمة، جلسه ۳۳۳.

۲. کتاب القصاص، جلسه ۲۲۹.

۳. همان، جلسه ۲۸۱.

۴. همان، جلسه ۱۷۳.

۵. کتاب صلاة المسافر، جلسه ۱۷۳.

۶. کتاب القصاص، جلسه ۲۷۸.

۷. همان، جلسه ۱۷.

فایده پنجم، صحیح دانستن احادیث فطحیه

در مورد فطحیه باید دانست که نه تنها در مورد خانواده بنو فضّال، بلکه نسبت به سایر فطحیه هم جازم به بقای ایشان بر این مسلک نیستیم؛ چون اینان قائل به امامت عبدالله افطح شدند و عبدالله بعد از دو سه ماه رحلت کرد و فطحیه به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام رجوع کردند و امامت سایر ائمه را معتقد بودند و آن بزرگواران نیز تصریح به عدم امامت عبدالله نمودند. حال چگونه ممکن است که ایشان با فرض قبول امامان بعدی، به امامت عبدالله باقی باشند. باور این مطلب بسیار مشکل است و شاید سرّ این که این نام همچنان بر آنان باقی مانده این است که این‌ها با هم روابط اجتماعی و تعامل سیاسی و همگرایی داشتند. لذا این جمع به این اسم شناخته شدند. بنابراین، از این جهت مشکلی وجود ندارد، چون همه توثیق شده‌اند.^۱

از این رو، ایشان علی بن اسباط را ثقه و روایات وی را صحیح می‌شمارد.^۲

فایده ششم، عدم پذیرش قول ابن ولید در مستثنیات نوادر الحکمة

منشأ تضعیف مرحوم صدوق و دیگران مثل مرحوم علامه چیست؟ منشأ همه این‌ها کلام محمد بن الحسن بن الولید، استاد صدوق می‌باشد که می‌گوید: من به روایات نوادر الحکمة اعتماد می‌کنم، مگر روایاتی که از این اشخاص نقل کرده است. بعد تعدادی از اشخاص را نام می‌برد که از جمله آنان، محمد بن عیسی است... این فرمایش را از ابن الولید، کسی غیر از صدوق تلقی به قبول نکرده است. شیخ طوسی و دیگران هم از صدوق گرفته‌اند...^۳

محمد بن عیسی بن عبید الیقینینی ثقه است. بعضی به تبع مرحوم صدوق و صدوق هم به تبع شیخ خودشان محمد بن الحسن بن الولید، در مورد او شبهه کرده‌اند؛ لکن بزرگان دیگر، ایشان را جلیل القدر و بزرگ دانسته و ما نیز ایشان را ثقه می‌دانیم و به

۱. همان، جلسه ۳۱۳.

۲. کتاب المکاسب المحرمه، النوع الخامس: الاکتساب بعمل محرم فی نفسه، جلسه ۵۲۳، کتاب القصاص جلسه ۲۸۰.

۳. کتاب القصاص، جلسه ۲۲. بارها درباره محمد بن عیسی در مباحث یاد کرده‌اند. در کتاب الصلاة نیز ضمن تخطئه دیدگاه ابن ولید و صدوق و تایید نجاشی و... به دفاع از ابن ولید با تکیه بر سخن علامه محمدتقی مجلسی می‌پردازند و بیان می‌دارند که تضعیف محمد بن عیسی به صورت مطلق نبوده، بلکه تضعیف نقل وی از استادش یونس بن عبد الرحمان است که به دلیل صغر سن در دوره تحمل است، نه آن‌که در وثاقت وی تردید باشد. بنابراین، در دیگر اسناد وثاقت وی مورد تردید نیست (کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۴۷۲ و ۴۷۳، جلسه ۱۶۶).

روایاتش اعتماد می‌کنیم.^۱

فایده هفتم، اخذ مشایخ قبل از انحراف

علی بن ابی حمزه بطنانی بنا بر شهادت نجاشی از ستون‌های اساسی واقعه است.^۲ و بنا بر قول علی بن حسن بن فضال متهم به کذب است.^۳ نقل گسترده بزرگان امامیه از ایشان مربوط به قبل از انحراف وی بوده است، با این حال در صورتی می‌توان به روایات علی اعتماد کرد که اشکال دیگری در بین نباشد.^۴

فایده هشتم، دیدگاه خاص درباره اخراج برقی از قم

احمد بن محمد بن خالد برقی ثقة است، اما احمد بن محمد بن عیسی، وی را از قم بیرون کرد، به خاطر نقل از ضعاف... احمد بن محمد بن عیسی فقط یک عالم نبود، یک راوی نبود، ایشان رئیس و حاکم قم هم بود، ایشان عرب بود. احمد بن محمد بن خالد برقی اهل برقرود قم بود، و جناب احمد بن محمد بن عیسی یک تعصب عربی‌ای دارد که من نمی‌خواهم وارد بشوم. سر قضیه وصایت حضرت جواد برای حضرت هادی، یک قضیه‌ای مرحوم کلینی در الکافی نقل می‌کند که نشان می‌دهد ایشان بالاخره عرب بودند و یک حالت عصبیت عربی داشتند، ممکن است مثلاً یک اختلاف نظری بین ایشان و برقی وجود داشته، نقل از ضعاف هم جزوش بوده، نه این‌که بگوییم اخراج صرفاً به خاطر نقل از ضعاف بوده [است].^۵

فایده نهم، عدم پذیرش تعویض و تبدیل سند

در موارد متعددی به این شیوه اشاره و اشکالات آن را بیان کرده و آن را نپذیرفته‌اند:^۶
... پس مسئله تبدیل سند را که مرحوم خوئی و تلامذه ایشان روی آن تکیه کرده‌اند، برای ما قابل توجه نیست.^۷

۱. کتاب القصاص، جلسه ۱۲ و ۳۵.

۲. همان، جلسه ۲۴.

۳. رجال الکشی، ص ۴۰۴؛ قاموس الرجال، ج ۷، ص ۲۶۹.

۴. کتاب القصاص، جلسه ۲۰۸. مثلاً با روایت صحیح دیگری تعارض نداشته باشد، یا در روایت منفرد باشد.

۵. درس خارج صلاة جماعت، جلسه ۴۱.

۶. کتاب القصاص، جلسه ۲۲۶؛ کتاب المکاسب، جلسه ۱۴۳ و ۱۴۴.

۷. کتاب القصاص، جلسه ۲۲۶.

فایده دهم، مرسلات صدوق

مرحوم استاد ما آیه‌الله میلانی قائل بودند که هرگاه مرحوم صدوق روایتی را بدون ذکر واسطه، مستقیم از امام نقل کند، به خاطر جلالت قدر و عظمت مقام صدوق بدون احراز صحت، سخنی را بیهوده به امام نسبت نمی‌دهد، آن روایت صحیح است و هر کجا که با تعبیر «رُوی» نقل می‌کند، معتبر نیست. و این مطلب به نظر ما کامل نیست؛ چون چه بسا روایت سند به نظر ایشان مورد اعتمادند، لکن به نظر ما محل اعتماد نباشند، یا قرینه‌ای بر صدور قائم شده که به نظر ایشان کافی است، ولی اگر برای ما مطرح می‌شد، تمام نبود.^۱

فایده یازدهم، عدم تفاوت بین مرسلات و مرفوعات

اگر ما مرسلات را معتبر ندانستیم، مرفوعات را هم نمی‌توانیم معتبر بدانیم. بعضی از اهل درایه بین این‌ها فرق گذاشتند، مرفوعات را جزو روایات قابل اعتماد ذکر کردند، مرسلات را جزو روایات غیر قابل اعتماد. نه، این‌ها در یک حکم اند. إنما الکلام در این است که این کسی که رافع است [کیست؟ اگر رافع] ابن ابی عمیر است، مرسلاتش هم در حکم مُسندات است.^۲

۷. جمع‌بندی

دیدگاه‌های رجالی آیه‌الله خامنه‌ای پس از تحلیل متنی متون مباحث فقهی دروس خارج ایشان به اختصار چنین است:

۱. در مباحث اعتبارسنجی روایات، دیدگاه‌های سه رجالی معاصر (آیات بروجردی، شوشتری و خویی) بیش از دیگران مورد مذاقه ایشان قرار گرفته است. نمی‌توان اثرپذیری ویژه‌ای را از رجالیان معاصر برای ایشان اثبات کرد.
۲. باب اجتهاد رجالی را گشوده دانسته و در راوی‌شناسی، به ویژه در تعارض جرح و تعدیل، به اجتهاد روی آورده و حتی از قول نجاشی نیز عبور می‌کنند.
۳. در شیوه اعتبارسنجی روایات، در شمار طرفداران شیوه وثاقت سندی است.
۴. قول رجالی را از باب خبرویت پذیرفته و سخن نجاشی را بیش و پیش از دیگران معتبر می‌داند.

۱. کتاب القصاص، جلسه ۲۹۲.

۲. کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۵۵۶، جلسه ۱۷۲.

تضعیفات ابن غضائری را به هیچ وجه قابل اعتماد نمی داند.

۵. غلو و اتهام به غلو راویان را از سوی دانشمندان قمی اشتباه آن ها می داند و راویان غالی نزد قمی ها را غالی نمی داند.

۶. غلو راویان غالی در حق ائمه را - که ثابت شده است - متلازم با عدم وثاقت نمی داند.

۷. قاعده توثیق مشایخ ثقات را پذیرفته و کارایی آن را تنها رجالی می دانند و درایه ای نمی داند.

۸. قاعده توثیق مشایخ جعفر بن بشیر را پذیرفته است.

۹. کثرت روایت بزرگان از یک راوی مجهول را با سه شرط دلیل بروثاقت راوی ارزیابی می کند: شرط اول، ناقل و شاگرد راوی مجهول، باید از اجلا و بزرگان باشد؛ شرط دوم، اجلا باید مکرر و بسیار از راوی مجهول نقل روایت کنند؛ شرط سوم، این که راوی مجهول در نزد رجالیان تضعیف نشده باشد.

۱۰. نهایت دلالت مستندات کشی در اصحاب اجماع را در صحت روایات اصحاب اجماع و وثاقت ایشان می داند.

۱۱. بخشی از کتاب تفسیر را منتسب به قمی دانسته و دلالت متن مقدمه بر توثیق تمام راویان تفسیر القمی را می پذیرند و شمول این قاعده را تنها در بخش هایی از کتاب - که قطعاً از علی بن ابراهیم است - جاری می داند.

۱۲. با توجه به ظهور عبارت ابن قولویه، تمام راویان طرق کامل الزیارات را ثقه می داند.

۱۳. با پیروی از علامه شوشتری بر این باورند که سهل بن زیاد را نمی توان به طور مطلق ثقه برشمرد؛ زیرا روایات ضعیفی را گزارش کرده است و متهم به غلو، کذب و ضعف است، اما روایاتی را که کلینی از وی در الکافی نقل کرده صحیح است.

۱۴. نهایت دلالت ترجم و ترصی صادر شده از محدثان آگاه به مدالیل الفاظ، شیعه بودن راوی می داند و تلازمی با وثاقت وی نمی داند.

۱۵. قواعد توثیق راویان کثیرالروایه و توثیق مشایخ صدوق را نمی پذیرند.

کتابنامه

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، محمد بن محمد مفید، تحقیق: مؤسسه آل البيت (ع)، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

- أصول علم الرجال بين النظرية و التطبيق، مسلم داوری، قم، محبین، ۱۳۸۳ش.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق و تصحیح: طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، چ ۳، ۱۴۰۴ق.
- چهار کتاب اصلی علم رجال، سید علی حسینی خامنه‌ای، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- خاتمة المستدرک، میرزا حسین نوری، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیه السلام، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۷ق.
- رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، محمد بن عمر کشی، تحقیق: مهدی رجایی، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۳۶۳ش.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ششم، ۱۳۶۵ش.
- الرجال، محمد بن حسن طوسی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۵ق.
- العدة فی أصول الفقه، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، قم، تیزهوش، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- قاعدة لا ضرر و لا ضرار، سید علی سیستانی، قم، مکتب آية الله العظمی السید السیستانی، ۱۴۱۴ق.
- قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
- قواعد توثیق راویان، محمد کاظم رحمان ستایش و روح الله شهیدی، قم، دار الحدیث، اول، ۱۳۹۶ش.
- قواعد رجالی، مهدی غلامعلی، قم، دار الحدیث، اول، ۱۳۹۸ش.
- کامل الزیارات، ابن قولویه جعفر بن محمد، نجف، المطبعة المباركة المرتضوية، ۱۳۵۶ق.
- کتاب الصلاة الجماعة، سید علی حسینی خامنه‌ای، بی جا، بی تا.
- کتاب الصلاة المسافر، سید علی حسینی خامنه‌ای، بی جا، بی تا.

- کتاب الصوم (شبییری)، موسی شبیری زنجانی، قم، انتشارات مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام، بی تا.
- کتاب القصاص، سید علی حسینی خامنه ای، بی جا، بی تا.
- کتاب المکاسب المحرمه، سید علی حسینی خامنه ای، بی جا، بی تا.
- کتاب غناء و موسیقی، متن درس خارج فقه آیه الله خامنه ای در موضوع غناء و موسیقی، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
- معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، ابوالقاسم خویی، بی جا، بی نا، پنجم، ۱۴۱۳ ق.
- وسائل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
- «تحلیل و نقد حال راویان مُخْتَلَف فيه از منظر آیه الله خامنه ای دامت برکاته و آیه الله زنجانی دامت برکاته»، سید حمید موسوی حسب، استاد راهنما: مهدی غلامعلی و استاد مشاور: حیدر مسجدی، رساله سطح چهار حوزه علمیه قم، دفاع شده در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۴۰۳.
- «قاعده رجالی اصحاب اجماع از دیدگاه حضرت آیه الله العظمی خامنه ای»، مرتضی یقینی پور، پژوهشنامه فقه و علوم اسلامی، دوره ۱، تابستان ۱۴۰۱، شماره ۱.
- «نقد و بررسی تفسیر قمی (ساختارشناسی و درون شناسی)»، میرزایی، پوران، کارشناسی ارشد پایان نامه علوم حدیث، دانشکده علوم حدیث شهرری، استاد راهنما: محمد علی مهدوی راد، و استاد مشاور: محمد کاظم رحمان ستایش، ۱۳۸۶ ش.
- پایگاه اطلاع رسانی آیه الله خامنه ای (khamenei.ir).
- پایگاه مدرسه فقهات (www.eshia.i).